

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هفتم-شماره سوم-پائیز ۱۳۹۳-شماره پیاپی ۲۵

## بررسی تشبیهات اخوان و گفتمانهای مربوط به آن

(ص ۳۲۳-۳۲۸)

عیسی نجفی (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>، طاهره چهری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۳/۱۷

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۳/۷/۱۵

### چکیده:

سبک نمودار نویسنده است، آینه‌ای که میتوان در آن نویسنده را با متعلقاتی نظیر شخصیت، جامعه، جهانبینی و آرمانهای او دید.

یکی از راههای تشخیص سبک و تمایز مکتبها، بررسی صورخیال است، در این میان تشبیه یکی از عناصر اصلی صور خیال در ادبیات هر ملتی است که بسیاری از صورتهای دیگر از آن مایه میگیرند. از استعاره که بگذریم، نماد و رمز نیز، با واسطه بر مبنای شباهت بنا میشوند.

در این پژوهش، سعی شده است تا جوانب مختلف تشبیهات شعری اخوان بررسی گردد تا از این رهگذر به ارتباط این تشبیهات با شخصیت و مسایل اجتماعی جامعه وی پرداخته شود. به همین سبب روش کار در این پژوهش بر مبنای سبک‌شناسی و تحلیل گفتمان است.

در این بررسی مشخص شد که پیوند تنگاتنگی میان تشبیهات شعر اخوان و مسائل شخصی و اجتماعی وجود دارد و در حقیقت این تشبیهات حامل گفتمانهایی هستند، از قبیل: ناامیدی و شکست، مبارزه و اعتراض، اضطراب و هراس.

**کلیدواژگان:** شعر اخوان، تشبیه، سبک‌شناسی، تحلیل گفتمان

---

۱- استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی کرمانشاه، enajafi1@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی کرمانشاه، tchehri@yahoo.com

**مقدمه:**

هر انسانی، برای سخن گفتن، از میان امکانات مرسوم زبانی، گزینش‌های متفاوتی دارد و البته این تنها به مقولهٔ زبان مربوط نمی‌شود، در مقولات اخلاقی، رفتاری و زیر مجموعه‌های آنها نیز وجود الگوها به خوبی مشهود است. برخی آگاهانه به این گزینش دست می‌زنند و برخی دیگر ناخودآگاه الگوهایشان را برمی‌گزینند؛ اما آنچه در این میان اهمیت دارد، چرایی گزینش یک سبک خاص از بین سایر سبک‌های موجود است. بررسی عوامل مختلف شخصیتی و تربیتی، اقلیمی و فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و ... می‌تواند پاسخی مناسب برای این چرایی باشد.

سبک<sup>۱</sup> را در ساده‌ترین عبارت می‌توان ردپای نویسنده در اثر دانست، آنچه نوشته و قلم او را از دیگران متمایز میکند. در شکل‌گیری سبک، عوامل مختلفی تاثیرگذار هستند. شش شاخص اصلی را برای سبک برشمرده‌اند: گزینش، هنجارگریزی، بسامد، گونهٔ کاربردی، موقعیت(بافت) و فردیت(سبک-شناسی)(نظریه‌ها، رویکردها و روشها)، فتوحی: ۳۳).

در میان موارد فوق «مصادیق لفظ و بافت عموماً جنبهٔ اجتماعی دارند و به گسترهٔ گفتمان(سخن) متعلقند»(دانشنامه زبان و ادب فارسی، کامیار عابدی، ج ۱: ۵۷۷)؛ اما نکتهٔ مهمی که در تحلیل سبک باید به آن توجه داشت، این است که «مطالعهٔ سبکی باید مسبوق به آگاهی از هنجارها و کدهای پیشینی یا دستگاه وسایل باشد، یعنی نخست باید دید که شاعر یا سخنور در کدام چارچوب زبانی-زبان دوره‌ای- و در کدام سنت جای گرفته، کدام امکانات زبانی و بیانی و ساختی در دسترس او بوده است تا سپس بازشناخت که چه عناصری از این امکانات را برگزیده، در آنها چه تصرفاتی کرده، و نقش این تصرفات در پیام چیست»(همان: ۵۸۲). جملات پایانی این نقل قول محورهای اصلی این پژوهش هستند. بررسی این محورها، بدون در نظر گرفتن شاخصهای اصلی که برای سبک ذکر گردید امکان پذیر نمی‌باشد.

تشبیه یکی از عناصر اصلی صور خیال در ادبیات هر ملتی است که بسیاری از صورتهای دیگر به نوعی از آن مایه می‌گیرند، از استعاره که بگذریم، صورتهایی چون نماد و رمز نیز با واسطه مبنای خود را از تشبیه می‌گیرند. همچنین یکی از راههای تشخیص سبکها و تمایز مکتبها نیز، همین تشبیه می‌تواند باشد، مثلاً در سبک خراسانی، تشبیهات اغلب حسی هستند و در سبک سورئال معاصر بیشتر عقلی و وهمی.

به علاوه یکی از راههای آشنایی با اندیشه شاعران و دست یابی به زوایای سایه روشن ذهن آنان، تحقیق و کندوکاو در تصاویر شعری آنان است. این پژوهش، بنابر اهمیت تصویر، تشبیهات شعری اخوان را از رهگذرهای مختلف تقسیم بندی نموده و نمونه‌های شناسایی شده را مورد بررسی و تحلیل

قرار داده است. و تلاش شده است که زوایایی از اندیشه‌های نهفته در پس این تشبیهات شناسایی شود و گرایشهای فکری، تعلقات و دغدغه‌های شاعر مورد بحث و تحلیل قرار گیرد. بنابراین روش کار در این مقاله تلفیقی از سبک‌شناسی و تحلیل گفتمان<sup>۱</sup> است. «تحلیل گفتمان تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است». (تحلیل انتقادی گفتمان، فرکلاف: ۹). «جنبه ممیز گفتمان در عین حال آن است که بر پویایی ارتباطی زبان تأکید می‌ورزد. به این معنی، تحلیل گفتمان یعنی بررسی تمام مؤلفه‌هایی که بخشی از کنش ارتباطی را شکل می‌دهند: فحوای سخن، هدف ارتباط، حال و هوای گفتمان و الخ. این تمام مؤلفه‌هایی را در برمیگیرد که میخاییل باختین<sup>۲</sup> «تمامیت زنده ملموس<sup>۳</sup>» مینامد.» (فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد: ۴۰۸).

درباره اخوان و اشعار او پژوهشهای متعددی صورت گرفته است. اما آنچه این مقاله بدان پرداخته، یعنی بررسی تشبیهات شعری اخوان و گفتمانهای مربوط به آن کاری است که بر اساس جستجو در کتب و بانک مقالاتی چون مگیران و نورمگز، معلوم شد تا کنون انجام نشده است.

#### ۱- بحث و بررسی:

در بررسی اشعار روایی اخوان مشخص میشود که اولاً تشبیه بیش از سایر صورخیال در شعر او کاربرد دارد، اگرچه در تشبیهات او میتوان عناصر نوی را دید؛ اما بطور کلی نمیتوان او را در این عرصه چندان مبتکر دانست. آنچه در مورد تشبیهات اخوان دارای اهمیت است، الگویی خاصی است که بر این تشبیهات حاکم است، منظور از این الگوی خاص، کاربرد غالب نوع خاصی از تشبیه است که در ادامه بطور مفصل به آن خواهیم پرداخت. دیگر اینکه چنین الگویی دارای بار گفتمانی هم هست، به این معنی که در اغلب این تشبیهات، انعکاس ابعاد مختلف شخصی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و...، گاه پُررنگ و گاه کمرنگ دیده میشود و در اشعاری که درونمایه اجتماعی یا سیاسی دارند، اغلب وجوه گفتمانمدار بیشتری به چشم میخورد. به همین سبب رابطه‌ای تنگاتنگ بین این تشبیهات و روان شاعر و جامعه او وجود دارد. به عبارت دیگر، بسیاری از این تشبیهات شعری اخوان دارای ارزشهای تجربی و یا دارای ارزشهای بیانی هستند، به این معنی که بیانگر ایدئولوژی شاعر هستند یا با تجربه مستقیم شاعر از رویدادهای زمان ارتباط مستقیم دارند. با بررسی این روابط، ما رسماً وارد مرحله تفسیر و تبیین می‌شویم، تفسیر رابطه بین تشبیهات شعری و تعاملات اجتماعی و تبیین ایدئولوژی و گفتمان شاعر.

#### ۲-۱. تصویر:

تصویر یا ایماژ<sup>۱</sup> از اصطلاحات رایج در شاخه‌های مختلف ادبیات: معانی و بیان، سبک‌شناسی و نقد ادبی است که هریک با نگاه ویژه‌ای به آن نگریسته‌اند. این بحث از دیرباز در بلاغت اسلامی مطرح بوده است و با شکوفایی نقد جدید در ادبیات غرب، مورد توجه بیشتری قرار گرفت.

بطور مختصر به برخی معانی تصویر اشاره میشود:

- بدل سازی یا محاکات از صورتهای خارجی شیء.

- هر نوع محاکات و بازنمایی هنری یک پدیده بر روی سطح: عکس یا نقاشی.

- تصویر شیء که در آئینه منعکس شود.

- شمایل یک شیء در ذهن، نه از طریق ادراک مستقیم، بلکه به واسطه احضار آن در حافظه(عکس ذهنی). ( **بلاغت تصویر**، فتوحی: ۳۸-۳۹).

کهنترین سخن موجود درباره صورت شعری از جاحظ بصری است: «شعر گونه‌ای از بافندگی و نوعی تصویر است» (**بلاغت تصویر**، فتوحی: ۳۹) و عبدالقاهر جرجانی معتقد است که «صورت عبارت است از تمثیل و قیاس برای آنچه درمی‌یابیم» (**همان**).

در زبان فارسی کلمه «خیال» و «تصویر» را برابر با «ایماژ» پیشنهاد کرده‌اند، زیرا خیال در معنی سایه، عکس، پرهیب، شبح و ... آمده است. (**صور خیال در شعر فارسی**، شفیع کدکنی: ۱۱).

آنچه از معنای تصویر در این پژوهش در نظر ما بوده است، ابزارهایی است که شاعر در جهت هنری کردن و تأثیرگذاری بیشتر معنی برمیکزیند. به عبارتی ما هرگونه تصرف خیالی در زبان را تصویر مینامیم، «هرگونه کاربرد مجازی زبان که شامل همه صناعات و تمهیدات بلاغی از قبیل تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، تمثیل، نماد، اغراق، مبالغه، تلمیح، اسطوره، اسناد مجازی، تشخیص، حس- آمیزی، پارادوکس و... میشود» (**بلاغت تصویر**، فتوحی: ۴۴-۴۵).

حال، ما از میان مجموعه تصاویر یاد شده، تشبیه را برگزیده‌ایم. انتخاب تشبیه، به جهت نقش مبنا و پایه بودن آن در بسیاری از تصاویر دیگر است. انتخاب شعر اخوان نیز به جهت سویه اجتماعی شعر او است. در حقیقت در این پژوهش تلاش بر این بوده که رابطه تشبیه به عنوان یک ابزار تصویری با شعر به عنوان یک مقوله اجتماعی مورد تحلیل و بررسی قرار بگیرد.

## ۲-۲. تشبیهات اخوان:

تشبیه در ساده‌ترین تعبیر «آن است که چیزی را به چیزی در صفتی مانند کنند. امر اول را مشبه، دوم را مشبه‌به و صفت مشترک مابین آنها را وجه شبه و کلمه‌ای را که دلالت بر معنی تشبیه داشته باشد، ادات تشبیه میگویند» (**فنون بلاغت و صناعات ادبی**، همایی: ۱۵۱).

تشبیه دارای انواعی است:

تشبیه حسی، تشبیه غیرحسی (گاهی نیز، ممکن است یکی از طرفین حسی باشد و طرف دیگر غیرحسی) تشبیه وهمی و خیالی، تشبیه مفرد و مرکب (مفرد به مفرد؛ مرکب به مرکب)، تشبیه مطلق، تشبیه مشروط یا مقید، تشبیه تفضیل، تشبیه مقلوب یا عکس، تشبیه جمع، تشبیه تسویه، تشبیه ملفوف، تشبیه مفروق (همان: ۱۵۱-۱۵۸).

در تشبیه، اگرچه میزان حسن و قبح آن تا حدودی به ذوق و پسند عام بستگی دارد، اما معمولاً هر چه تشبیه دیرپایتر باشد، از ابتدال دورتر خواهد بود و درجه هنری آن نیز بیشتر. بنا بر بررسی مشخص شد که اخوان در شعرش، حدود ۷۸ درصد از تشبیه بهره برده و ۲۲ درصد دیگر نیز به سایر صناعات ادبی باز میگردد که به ترتیب بسامد کاربرد بعد از تشبیه عبارتند از: استعاره، تلمیح، اسناد مجازی، نماد. این پژوهش، تشبیهات شعری اخوان را از مناظر مختلف تشبیه، مورد بررسی قرار داده است. نتایج این بررسی در ذیل آورده میشود:

#### ۲-۲-۱. تشبیهات اخوان به اعتبار حسی یا عقلی بودن طرفین

الف) تشبیهات حسی به حسی: حدود ۶۷ درصد تشبیهات اخوان از نوع حسی به حسی هستند: به عبارت دیگر، تشبیهات بیشتر از نوع تصاویر سطحی هستند. تصویر سطحی در مقابل تصویر اعماق (بلاغت تصویر، فتوحی: ۶۴). قرار میگیرد. در تصویر سطحی برونه و سطح اشیاء مدنظر است اما در تصویر عمقی درون و عمق اشیاء. این نوع تشبیه بیشتر به شاعران برونگرا که در پی وصف احساسات و طبیعت هستند تعلق دارد. اخوان نیز شاعری برونگرا محسوب میشود، اساساً شعر او در میان مکتب‌های ادبی، ریشه در مکتب رئالیسم دارد. گونه‌های داستان، رمان و بیان روایی در این مکتب جایگاه ویژه‌ای دارند. تصاویر عینی و حسی نیز یکی از مشخصه‌های بارز این مکتب هستند. برای اخوان نیز، به عنوان یک مبارز اجتماعی، رئالیسم بهترین شیوه در بیان مطلب است. لازم به ذکر است که نمونه‌ها بر اساس شماره صفحه در کتاب گزیده اشعار اخوان (به کوشش محمد حقوقی)، آمده است.

نمونه‌ها:

- نه چراغ چشم گرگی پیر؛ نه نفسهای غریب کاروانی خسته و گمراه!... (۸۱) ← چشم = چراغ (حسی به حسی)
- بشکن حصار نور سردی را که امروز... (۸۳) ← نور = حصار (حسی به حسی)
- آسمانش را گرفته تنگ در آغوش
- ابر؛ با آن پوستین سرد نمناکش...
- ساز او باران، سرودش باد (۸۹) ← باران = ساز (حسی به حسی)؛ باد = سرود (حسی به حسی)
- نفس کز گرمگاه سینه می آید برون، ابری شود تاریک.

چو دیوار ایستد در پیش چشمانت (۱۰۲) ← نفس = ابر ، دیوار (حسی به حسی)  
 - حریفا رو چراغ باده را بفروز، شب با روز یکسان است... (۱۰۳) ← باده = چراغ (حسی به حسی)

- طبل توفان از نوا افتاده است (۱۰۹) ← توفان = طبل (حسی به حسی)  
 (ب) تشبیهات عقلی به حسی / حسی به عقلی:

این تشبیهات حدود ۳۳ درصد تشبیهات شعری اخوان را شامل میشوند. همانطور که پیشتر اشاره شد، درصد تشبیهات حسی به حسی بیشتر و عقلی به حسی بسیار کمتر است. و این به تناسب مضامین شعری اخوان با تصاویر بکار رفته مربوط میشود، در شعر اخوان خبری از عرفان یا تجربیات درونی نیست، بلکه بیشتر مسائل بیرونی است که در شعر او انعکاس یافته است. و این درصد کم تشبیهات عقلی به حسی هم بیشتر عواطف شخصی شاعر را دربرمیگیرد.

- از لبم جاری خروشان شطی از دشنام.  
 و بسوی آسمانها بسته گوناگون پُل پیغام (۱۲۷). ← دشنام = شط (عقلی به حسی)؛  
 پُل = پیغام (عقلی به حسی)

- خندهات زنجیره زرین (۳۲۳) ← خنده = زنجیره زرین (عقلی به حسی)  
 - ابرهایی که امید سوخته و داغ دریغ اندوده را مانند (۳۱۸) ← ابر = امید؛ داغ (حسی به عقلی)

- تو خوشترین خنده سرنوشتی (۳۰۰) ← تو = خنده (حسی به عقلی)  
 - لوح حسرت (۲۹۶) ← حسرت = لوح (عقلی به حسی)

## ۲-۲-۲. تشبیهات اخوان به اعتبار وجه شبه

(الف) تشبیه مجمل (بدون ذکر وجه شبه)؛ تشبیه مفصل (ذکر وجه شبه)

وجه شبه در تشبیه اهمیت ویژه‌ای دارد. وجه شبه را نیز به انواعی از قبیل تخیلی، حسی، عقلی، مفرد و مرکب و متعدد تقسیم می‌گردد (برابره‌ای علوم بلاغت در فارسی و عربی، طبیبیان: ۲۹۳-۳۱۱). اگرچه میزان حسن و قبح تشبیه تا حدودی به ذوق و پسند عام بستگی دارد، اما معمولاً هر چه وجه شبه دیرپایتر باشد، از ابتدال دورتر خواهد بود و درجه هنری آن نیز بیشتر است. و این موضوع از طریق وجه شبه مشخص می‌گردد. تشبیه اگر با ذکر وجه شبه باشد، مفصل و اگر بدون ذکر آن باشد، مجمل مینامند. حدود ۷۵ درصد تشبیهات شعری اخوان، تشبیه مجمل یا فشرده هستند، به این معنی که به وجه شبه آنها اشاره نشده است، هر چند اغلب این تشبیهات ساده بوده و وجه شبه آنها را به راحتی میتوان حدس زد. ۲۵ درصد تشبیهات نیز با ذکر وجه شبه آمده‌اند.

(ب) وجه شبه تحقیقی / تخیلی

وجه شبه تحقیقی آن است که شباهت مورد نظر در هر دو طرف تشبیه، واقعی و حقیقی باشد. و وجه شبه تخیلی آن است که شباهت مورد نظر در هردو طرف یا یکی از طرفین تشبیه خیالی باشد و نه واقعی. حدود ۸۸ درصد وجه شبه‌ها در تشبیهات اخوان از نوع تحقیقی هستند و ۱۲ درصد از نوع تخیلی. بدیهی است که ذهن شاعر بیش از اینکه درگیر خیالات دور و دراز باشد، معطوف به مسایل حسی و واقعی بوده است، به همین سبب اکثر تشبیهات، مربوط به امور شناخته شده هستند.

#### تحقیقی:

- چراغ باده (۱۰۳)
- ساز او باران (۸۹)
- سرودش باد (۸۹)
- ناف گرداب (۱۲۷)
- پستان موج (۱۲۷)
- من سری بالا زخم چون ماکیان، از پس نوشیدن هر جرعه آب (۱۱۱)
- چراغ روز (۲۵۷)

#### تخیلی:

- حصار نور (۸۳)
- جویبار لحظه‌ها جاری (۱۲۵)

### ۲-۲-۳. تشبیهات شعری اخوان به اعتبار ادات تشبیه

#### الف) تشبیه مرسل و موکد

در تشبیه مرسل، ادات تشبیه ذکر میشود و در تشبیه مؤکد ادات ذکر نمیشود. حدود ۵۴ درصد تشبیهات اخوان با ذکر ادات آمده‌اند و حدود ۴۶ درصد بدون ادات:

این موضوع بیانگر این است که شاعر بیشتر در پی روایت و توصیف است و کمتر در پی سرودن شعر و هنرنمایی، زیرا نبود ادات تشبیه یک قدم دریافت تشبیه را آسانتر میکند. شعر اخوان، صبغه اجتماعی دارد، به این معنی که تصویرگر مسائل اجتماعی است و مهمترین نکته در شعر اجتماعی رسانگی معنایی و برقراری سریع ارتباط با مخاطب است، و از آنجا که مخاطب اشعار اجتماعی توده مردم هستند، شعر باید از پیچیدگی و دشواری دور باشد تا بتواند سریعتر با مردم ارتباط برقرار کند. بنابراین یکی از دلایل سادگی تشبیهات و ذکر ادات را میتوان همین دانست.

نمونه‌ها:

- در شب دیوانه غمگین؛ که چو دشت او هم دل افسرده‌ای دارد. (۸۱)
- بسوی سرزمینهایی که دیدارش،

### بسان شعله آتش،

دواند در رگم خون نشیط زنده بیدار،....

چو کرم نیمه جانی بی سر و بی دم،

کشاند خویشان را، همچو مستان دست بر دیوار... (۹۶).

- نفس کز گرمگاه سینه می آید برون، ابری شود تاریخ.

- چو دیوار ایستد در پیش چشمانت (۱۰۲)

- من سری بالا زخم، چون ماکیان... (۱۱۱)

- ز آنکه فریاد امیر عادلی چون رعد بر می خاست (۱۲۱).

- بازمانده، جاودان، منقار وی چون غار (۱۲۷).

- من نگاهم مثل نو پرواز گنجشک سحرخیزی... (۱۳۴)

- پنجره بازست، آسمان پیداست.

چون یکی برج بلند جادویی، دیوارش از اطلس،....

پاره های ابر، همچون غرفه های برج،

و آن کبوترهای پران در فضای برج،

مثل چشمک زن چراغی چند، مهتابی (۱۳۶).

### ۲-۲-۴. تشبیهات اخوان به اعتبار مفرد، مقید یا مرکب بودن طرفین

حدود ۸۲ درصد تشبیهات اخوان از نوع مفرد به مقید یا بالعکس هستند. چهارده درصد شامل تشبیهات مفرد به مفرد، و چهار درصد شامل تشبیهات مفرد به مرکب و بالعکس میشود. اغلب قیدهایی که برای مشبه یا مشبه به آمده، قیدهای تلخ و هراسناک هستند. هر متن، نوشته یا شعر، دارای یک ساختار بیرونی است که از آن با عنوان صورت یا ساختار نام میبرند و دارای یک ساختار درونی که آن را محتوا یا معنی مینامند. همیشه بین ساختار درونی و بیرونی یک متن پیوندی برقرار است. اینکه معانی گوناگون، قالب و زبان متناسب خود را میطلبند، حاکی از همین پیوند است. گذشته از این موضوع، همواره، وقایع و جریانهای بیرونی نیز، بر این دو ساختار تأثیرگذار هستند. متون ادبی و آثار هنری گنجینه‌های پنهانی از ایدئولوژیها، فرهنگها و نظامهای اجتماعی و سیاسی را در خود نهفته دارند که کشف و درک آنها، یکی از اصول تحلیل گفتمان است. هرگز نمیتوان تأثیر عوامل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را در زبان و ادبیات انکار کرد. اگر سبک خراسانی، ساختار و زبانی ساده و روان دارد، حاکی از سلامت عقل جمعی و وجود نظام دارای چارچوب و قانون قرون سوم و چهارم هجری است. و در مقابل، اگر سبک هندی، سبکی است با ساختار و زبانی پیچیده، این نیز به انحطاط همه‌جانبه قرون نهم و دهم بازمیگردد.



نحوه استفاده از کلمات و جملات میتواند نشانه‌هایی از اوضاع جامعه به نمایش گذارد و گفتمان خاصی را بازتاب دهد. پریشانیهای زبانی، میتواند نشانی از اوضاع پریشان جامعه باشد. مثلاً در ادب فارسی، صریحترین و سالمترین زبان در شعر رودکی و همعصران او به چشم میخورد «زیرا جامعه سامانی جامعه‌ای است تا حد زیادی برخوردار از قانون و آزادی [در مفهوم عام آن]، و در تاریخ اجتماعی ایران عصر سامانی و بویژه در قلمرو فرمانروایی سامانیان، کمتر نشانه‌ای از زورگوییهای دوره غزنوی دیده میشود (مفلس کیمیا فروش، شفیع کدکنی: ۹۲-۹۳).

وجود قیده‌های تلخ و هراسناک در تشبیهات اخوان، بیگمان به تلخی و هراسناکی زندگانی فردی و اجتماعی او باز میگردد: مسائل درونی و فردی زندگی او «از فقر و تهیدستی خانوادگی گرفته تا مرگ پدر و سپس مرگ دختر خردسالش تنسگل، داغ از دست دادن دو شوهرخواهر و دو خواهر بیوه مانده، از دست رفتن دختر بزرگش لاله که در عنفوان جوانی به سر میبرد، تبعید و زندانی سیاسی شدن و اخراج از کار و بیکاری، نافرجامی در عشق و زندانی شدن به جرم مرد بودن...» (آواز چگور، محمدی آملی: ۲۸۴-۲۹۱)، و مسائل بیرونی و عوامل اجتماعی، که به شرایط جامعه اخوان در عصر پهلوی باز میگردند، «ارتباط ایران با امریکا، کودتای ۲۸ مرداد، تشکیل ساواک و تسلط روحیه استبدادی، از هم پاشیدگی حزب توده و... از حوادث مهم این دهه است که بر فضای جامعه و از جمله شعر تأثیر گذاشت» (چشم انداز شعر معاصر ایران، زرقانی: ۳۷۰).

به علاوه، نباید از هجوم مدرنیته و تناقضی که میان سنت و مدرنیته در جامعه اخوان به وجود آمده بود غافل شد. مدرنیته در همه چیز گسست ایجاد کرد و شالوده‌ها و مفصل‌بندیها را مورد شک قرار داد. «ذهنیت مدرن، دچار اضطراب و دلهره است و این هراسناکی به خودی خود فضای شعر را هم تحت تأثیر قرار میدهد» (بلاغت تصویر، فتوحی: ۳۸۴)، چندهویته شدن جامعه و جدال بین سنت و مدرنیته، اخوان را سرگشته میکند. مدرن‌سازی، بویژه زمانی که برای آن بستر مناسبی فراهم نشده باشد و در مقابل ارزشهای سنتی قد علم کند بیگمان حاصلی جز اضطراب و هراس نخواهد داشت. نمونه‌ها:

- منم من سنگ تپیا خورده رنجور.
- منم دشنام پست آفرینش، نغمه ناجور (۱۰۲)
- ور زمین- گهواره فرسوده آفاق- (۱۱۷)
- این دبیر گیج و گول و کوردل تاریخ (۱۲۱)
- من دلم پرپر زند چون نیم بسمل مرغ پرکنده (۱۳۷).
- رسته لختی پیش،
- شعله ور خونبوتۀ خورشید (۱۳۸).

- کوچه های فرو بستۀ استجابت (۱۴۱).
  - در خوابهای من،
  - این آبهای اهلی وحشت (۱۶۶)
  - چنان چون آبخوستی روسپی، آغوش زی آفاق بگشوده (۱۷۹).
  - در جوی چون کفچه مار مهیبی
  - نفت غلیظ و سیاهی روان بود... (۱۸۵)
  - من نگاهم را چو مرغی مُرده سوی باغ خود بردم (۱۹۳).
  - زندگی با ماجراهای فراوانش، ظاهری دارد بسان بیشه ای بغرنج و در هم باف... (۲۱۵).
  - لحظه‌ها مثل صفِ موران خواب‌آلود (۲۱۸)
  - و شب شطّ علیلی بود (۱۵۴)
- ۲-۲-۵. تشبیهات شعری اخوان به لحاظ شکلی**
- تشبیه را به اعتبار جایگاه و چگونگی قرار گرفتن مشبه و مشبه‌به به انواعی تقسیم نموده‌اند:
- ملفوف، مقرون، تسویه، جمع، مضمّر، تفضیل، بلیغ، معکوس و مشروط.
- اغلب تشبیهات شعری اخوان، یعنی نزدیک به ۴۹ درصد، از نوع تشبیه ساده و معمولی بوده و کمتر در دایره تقسیم‌بندی فوق می‌گنجند، ۴۷ درصد تشبیه بلیغ. از چهار درصد باقیمانده نیز، تشبیه جمع بیشترین کاربرد را دارد.
- در بخشهای قبلی، نمونه‌هایی از تشبیهات ساده و بلیغ آمده است. اینک نمونه‌هایی از تشبیه جمع:
- مثل ماری خوش و خط و خال است،
  - بلکه باید گفت ازدها، عفریته‌ای منحوس (۲۴۹) ← او = مار؛ ازدها؛ عفریته
  - زندگی = فریب؛ بیشه‌ای بغرنج (۲۱۵)
  - منم من سنگ تپیا خورده رنجور.
  - منم دشنام پست آفرینش، نغمۀ ناجور (۱۰۲) ← من = سنگ؛ دشنام؛ نغمۀ ناجور
  - نفس کز گرمگاه سینه می‌آید برون، ابری شود تاریک.
  - چو دیوار ایستد در پیش چشمانت (۱۰۲) ← نفس = ابر؛ دیوار
- ۲-۲-۶. تشبیهات شعری اخوان به اعتبار ابتکاری یا تکراری بودن**
- سخن گفتن درباره نو یا کهنه بودن تشبیهات شعری اخوان مستلزم زمینه مطالعاتی بسیار گسترده‌ای است، تنها زمانی میتوانیم به صراحت در این باره اظهار نظر کنیم که تمام متون کهن و نو تا پیش از اخوان را بررسی کرده باشیم. بنابراین آنچه ما در اینجا ذکر میشود، بنابر زمینه مطالعاتی و حوزه آگاهی نگارندگان است. بر این اساس، بخشی از تشبیهات اخوان، زمینه کهن دارد، یعنی به نحوی با

شعر کهن در ارتباط هستند، به ویژه اینکه یکی از بن‌مایه‌های شعر اخوان، کهن‌گرایی و استفاده از مضامین کهن ادب فارسی است.

برخی نمونه‌ها از تشبیهات کهن:

باران طلا(۱۹۷)، زمین(=گهواره فرسوده آفاق)(۱۱۷)، چراغ چشم(۸۱)، تابوت خاک، چراغ باده(۱۰۳)، ردای روز(۳۳۷)، طومار غم(۲۰۴)، شیشه عمر(۱۱۷)

نکته مهم دیگر در اینباره، تحوّل است که شعر نو در حوزه‌های مختلف شعر به وجود آورد. از عروض گرفته تا معانی و بیان. یکی از این حوزه‌ها، حوزه صورخیال است. از آنجا که در شعر نو بسیاری مسائل جدید مطرح میشوند، نگرش نسبتاً جدیدی بر شعر حاکم میشود. بعلاوه نباید تناسب زبان و تصویر را نادیده گرفت، زبان معاصر، زبانی است که بیشترین مایه را از زبان مردم میگیرد، بنابراین طبیعی است که تصاویری را برگزیند که با این زبان تناسب داشته باشد. به همین سبب بدیهی است، بخشی از تصاویر در شعر اخوان تازه و مبتکرانه باشد.

با اینحال، بطور کلی میتوان گفت نسبت تشبیهات نو در شعر اخوان بیشتر از تشبیهات کهن است، تشبیهات نو حدود ۷۵ درصد و تشبیهاتی که زمینه کهن دارند حدود ۲۵ درصد.

برخی نمونه‌ها از تشبیهات نو:

غرفه‌های خاطر(۱۹۸)، شط شب(۱۵۴)، پستان موج(۱۲۷)، ناف گرداب(۱۲۷)، پل پیغام(۱۲۷)، آبخوستی روسپی(۱۷۹)، شط دشنام(۱۲۷)، مرغان سپید بادبانها(۱۰۰)، خوشه سیگار(۳۳۷)، جرعه خنجر(۲۲۲)، لقمه بغض(۲۲۲)، گروهی شک(۱۵۲)، جویبار لحظه‌ها(۱۲۵)

## ۲-۲-۷. تشبیهات شعری اخوان به لحاظ بار عاطفی واژگان

در تشبیهات شعری اخوان، یکی از طرفین تشبیه معمولاً یکی از احساسات یا احوال انسانی را شامل میشود، به عبارت دیگر دارای بار عاطفی هستند: غم، بغض، حسرت، شادی. هر یک از این واژگان زنجیره تداعی گسترده‌ای دارند و فضای شعر را بطور کلی تحت تأثیر قرار میدهند.

تاریخ ادبیات به روشنی نشان میدهد که شاعران در ادوار مختلف، پدیده‌های جهان را به گونه‌های متفاوت دیده و به تصویر کشیده‌اند. به وجود آمدن ژانرها، انواع و مکاتب ادبی حاصل همین متفاوت نگریستن است. نگاه شاعران به جهان و اشیاء متأثر از حالات روحی و عاطفی آنها است. تصویرپردازی این امکان را برای شاعر به وجود می‌آورد که امیال و آرزوهایش، ناکامیها و شکستهایش، و بطور کلی احساسات و عواطفش را در قالب تصویر بریزد و بنمایاند. بارت «سبک» را فردیت‌ترین بخش فرآیند ادبیات میداند، از نظر او سبک «یادمانی نهان در جسم نویسنده است» (درجه صفر نوشتار، بارت: ۳۵-۴۳) که از ژرفای وجود او برمیخیزد، و تشبیهات با بار عاطفی، یکی از ویژگیهای سبکی اخوان است که از عاطفه و نهاد او برمیخیزد، «به تعبیر فلاسفه، تصوّرات و تخیلات ما نیز در امتداد تجربیات مستقیم ما از خود و جهان است. حتی در تشبیهات خیالی صرف نیز مثل دندان گولی در

دریایی از مشک که در پشت کوه قاف گم گشته بود، عناصر تشبیه که دندان و گول و دریا و مشک و کوه باشد، حاصل تجربهای ما است که آنها را به هم دوخته‌ایم و چنین چیزی ساخته‌ایم. بهر حال آزادی تخیل، چه در معنای فردی و چه در معنای جمعی و سیاسی تا زمینه مناسب نداشته باشد قابل وقوع نیست مثل اینکه کسی که هرگز عنقا و دریا ندیده و صورت آنها کند» (سیمرغ در جستجوی قاف، محبتی: ۱۷۲).

در تصاویر اخوان این عاطفه کاملاً نمایان است. به این معنی که تصویرها، صرفاً برای توصیف و تزیین نیامده‌اند بلکه از عواطف شاعر نشأت میگیرند. او احساس شکست و یأس خود را در اشیاء و طبیعت تسری میدهد.

وحدت روحی و عاطفه یکدست اخوان بر همه اشعار او سایه انداخته. در حقیقت اندوه و یأس و شکست، یک درونمایه مسلط در شعر اخوان است که در لابه لای تصاویر، ساختار و سبک شعری او به وضوح دیده میشود. این ایده مسلط را میتوان همان نگرش شاعر دانست «نگرش، ساحت پنهان ذهن و شخصیت و نوعی آمادگی ذهنی و روانی است در رویارویی با جهان و اشیاء و حوادث که در همه رفتارها و کنشهای فرد به نحو بارزی نمایان میشود و در هنر غالباً توأم با هیجان است» (بلاغت تصویر، فتوحی: ۷۶)، و تصویر هم از همین نگرش مایه میگیرد.

نمونه‌هایی از این تشبیه‌ها:

- و پرستوهای شادی خاطرت را ترک میگویند (۳۲۴).
- به لوح حسرتم زآن آشنا تصویر خطی چند (۲۹۶)
- آنگاه دید چون دیو سیاهی غم (۲۸۲)
- درد قوت غالب مرد است (۲۴۶).
- لقمه بغضی که قوت غالبش آن بود..... (۲۲۲)

## ۲-۲-۸. غلبه تشبیه‌های اثباتی بر تشبیه‌های اتفاقی

بطور کلی تصاویر را به لحاظ کارکرد، به دو دسته تصویر اثباتی و تصویر اتفاقی تقسیم میکنند. تصویر اثباتی، «مولود یک ادراک حسی و حاصل اندیشه‌ای عقلانی است...مدلول کلمات این نوع تصویر از معانی حرفی تجاوز نمیکند و در سطح معنی ظاهری و قریب یا صرفاً در توصیف و بیان متوقف میشود» (بلاغت تصویر، فتوحی: ۵۸). در واقع تصویر ابزاری است برای توضیح تجربه و تشریح اندیشه. این تصاویر از آنجا که برای اثبات یک معنی یا موضوع آفریده میشوند، تصویر اثباتی نام دارند. بر خلاف تصویر اثباتی، تصویر اتفاقی در پی اثبات چیزی نیست «نوعی تصویر است که به صورت اتفاقی و نیندیشیده بر زبان شاعر میروید، این نوع تصویر فرزند ناخودآگاه است» (همان: ۶۰).

اغلب تشبیهات اخوان بیش از آنکه جنبه تصویری و تزئینی داشته باشند در حکم ابزاری هستند برای القای هدف و این موضوع یکی از دلایلی است که سبب شده شعر اخوان بیش از آنکه شعر باشد جنبه روایی داشته باشد. دلیل عمده این موضوع، صبغه اجتماعی شعر اخوان است که پیشتر بطور مفصل به آن اشاره شد.

## ۲- گفتمانهای مربوط به تشبیهات شعری اخوان:

بر اساس روش تحلیل گفتمان، برای کاربرد تشبیه در شعر اخوان با مشخصاتی که ذکر شد، دلایلی وجود دارد که شاعر آگاهانه و یا ناخودآگاه به گزینش آنها دست زده است. عموماً زمانی یک ویژگی گفتمانمدار تلقی میشود که آگاهانه بکار رفته باشد؛ اما اگر با کاربرد ضمیر ناخودآگاه آشنا باشیم و رمز و رازهای این بخش از وجود خود را بشناسیم، خواهیم دانست که بیراه و بعید نیست که عنصری دارای خاصیت گفتمانی باشد؛ اما آگاهانه انتخاب نشده باشد یا به عبارتی حاصل ضمیر ناخودآگاه<sup>۱</sup> باشد. کادن<sup>۲</sup> درباره ناخودآگاه میگوید: «مجموعه عناصر پویایی است که تشکیل دهنده شخصیت است (فرد ممکن است از بعضی از آنها آگاه و از بعضی بیخبر باشد). یا باز هم فرض میشود فرایندی ذهنی است که به کلی با فرایند آگاهانه تفاوت دارد؛ اما در عین حال فرایند آگاهانه را متأثر و دگرگونه میکند» (فرهنگ اصطلاحات ادبی، کادن: ۴۷۵).

بنابراین میتوانیم گفتمانهایی را که از تشبیهات شعری اخوان برداشت میشود اینگونه برشماریم:

### ۱. گفتمانهای ناخودآگاه: ناامیدی و شکست، اضطراب و هراس.

اخوان برخلاف تخلص شعری خود، یعنی «م.امید»، نمادی از ناامیدی در شعر معاصر است. گویی زمین و زمان دست به هم داده بودند تا عنوان «شاعر شکست» از آن اخوان شود. روح او، از ناگواریهای زندگانی شخصی و ناملایمات روزگار، چنان تأثیر پذیرفته که از شعرش مرثیه ساخته است. اضطراب و هراس هم یکی دیگر از گفتمانهای شعری اخوان است که به خوبی در تشبیهات وی دیده میشوند. این اضطراب و هراس، محصول ناکامیها و پریشانیهای فردی و نابسامانیها و بیعدالتیهای اجتماعی است و علاوه بر آن به اضطراب جامعه‌ای که بین سنت و مدرنیته ایستاده نیز مربوط میشود.

### ۲. گفتمانهای خودآگاه: اعتراض و خشم و مبارزه.

زبان اخوان به منزله یک سلاح است، سلاحی برای مبارزه و اعتراض. مبارزه و اعتراض اخوان، متوجه حوزه‌های مختلفی است: موقعیت و جایگاه شخصی، اعتراض به وضعیت جامعه و مبانی حکومتی و نهایتاً اعتراض به نظام هستی.

<sup>1</sup> Unconscious, the

<sup>2</sup> Cuddon, John Anthony

خشم و اعتراض او در کلامش نهادینه شده است. ذکر این نکته ضروری است که خشم و اعتراض از آنجا که ریشه در سرشت آدمی دارند، در شعر بسیاری از شاعران ممکن است دیده شوند؛ اما این موضوع در شعر اخوان یک گفتمان است که از سوی شاعر تبلیغ میشود، به این معنی که جزیی از ایدئولوژی شاعر است. در تعریف ایدئولوژی گفته‌اند: «درکی از جهان که بطور ضمنی در هنر، قانون، فعالیت‌های اقتصادی و در جلوه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی تجلی پیدا میکند» (تحلیل انتقادی گفتمان، فرکلاف: ۱۰۲). به عبارتی، منظور از ایدئولوژی مجموعه ارزشها یا نظام اعتقادی است که زبان متن منتقل میکند. به علاوه، خشم و اعتراض اخوان یک روی دیگر هم دارد و آن مبارزه است. او یک مبارز سیاسی بود، پیوستن او به حزب توده که مقابل حکومت قرار داشت، یکی از مصداق‌های این مبارزه است. بعد از فروپاشیدن حزب و زندانی شدن اعضای آن، بسیاری از مبارزان دست از فعالیت‌های خود برداشتند، در حقیقت، محدودیت‌ها، شکنجه‌ها و زندانی کردن‌ها، مجال و جرأتی برای مبارزه آنها باقی نمیگذاشت. در این میان، نوشته‌ها و شعرها، هنوز به عنوان ابزاری برای مبارزه زنده بودند؛ بویژه شعر، به دلیل داشتن قابلیت‌هایی از قبیل ابهام، چندلایگی و کتمانگری، کارایی بیشتری داشت. منظور از چندلایگی، پیچیدگی‌های زبانی و هنری است که به شاعر این امکان را میدهد که با بهره‌گیری از ابزارهای شعری منکر آن شود. اخوان نیز، به عنوان یک شاعر مبارز، از شعر در جهت در تبلیغ ایدئولوژی خود بهره برده است.

#### نتیجه‌گیری:

در تحلیل سبک‌شناسی، معمولاً طیف واژگان یک نویسنده یا شاعر را، یکی از عوامل شکل‌دهنده به سبک می‌شمارند. تشبیهات نیز، پیش از اینکه به عنوان تصویر تلقی شوند، واژه محسوب میشوند. طیف تشبیهات در شعر یک شاعر، حاصل تصرف او در اشیاء و جهان اطراف او است و در نتیجه نگرش و جهانبینی او را رقم می‌زند.

در بررسی تشبیهات شعری اخوان نتایج زیر به دست آمد:

- ۶۷ درصد تشبیهات حسی به حسی هستند، ۳۳ درصد حسی به عقلی یا بالعکس.
- ۷۵ درصد تشبیهات، مجمل و ۲۵ درصد مفصل هستند.
- ۸۸ درصد وجه شبه‌ها تحقیقی، ۱۲ درصد تخیلی هستند.
- ۵۴ درصد تشبیهات مرسل (با ذکر ادات) و ۴۶ درصد موکد (بدون ادات) هستند.
- ۸۲ درصد تشبیهات مفرد به مقید، ۱۴ درصد مفرد به مفرد هستند و ۴ درصد شامل تشبیهات مفرد به مرکب و بالعکس میشود.
- ۴۹ درصد تشبیهات ساده و معمولی، ۴۷ درصد تشبیه بلیغ و ۴ درصد تشبیهات جمع هستند.
- ۷۵ درصد تشبیهات ابتکاری و نو هستند، ۲۵ درصد تشبیهات زمینه کهن دارند.

نتایج فوق نشان میدهد که سبک اخوان در حوزه تشبیهات میل به واقعگرایی دارد. در سبک واقعگرا، واژه‌های ارزشمندتر است که تصویر روشنتر و قطعیتتری به خواننده ارائه دهد. زبان روزمره، آکنده از واژگان حسی و تصاویر عینی است؛ و مردم عادی کمتر از واژگان تجربیدی و ذهنی استفاده میکنند. به همین سبب شاعری که میخواهد از دریچه شعر با مردم سخن بگوید باید این نکته را در نظر داشته باشد و این در شعر اجتماعی یک اصل محسوب میشود.

با توجه به شناختی که از اخوان داریم و او را به عنوان یک مبارز اجتماعی میشناسیم، و به لحاظ پیوند عمیقی که شعر او با جامعه دارد، بدیهی است که تصاویر نیز در این راستا هستند. در حقیقت عناصر در چنین شعری بیشتر از هر چیز ابزار هستند، به همین سبب بار گفتمانی دارند. در شعر اخوان، اغلب گفتمانها آگاهانه انتخاب شده‌اند، هرچند در مواردی نیز، ردپای ناخودآگاه شاعر، در این گفتمانها دیده میشود.

گفتمانهای موجود در شعر اخوان بنابر تشبیهات شعری او را میتوان به دو دسته تقسیم کرد، گفتمانهای خودآگاه: مبارزه و خشم و اعتراض. و گفتمانهای ناخودآگاه که عبارتند از: ناامیدی و شکست و اضطراب و هراس.

نکته آخر اینکه بررسی اجزای شعر اخوان به لحاظ سبک‌شناسی و با یاری گرفتن از روش تحلیل گفتمان، میتواند در تحلیل شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زمان او مفید فایده باشد.

#### منابع:

۱. آواز چگور، محمدی آملی، محمدرضا، تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۰.
۲. برابره‌های علوم بلاغت در فارسی و عربی، طبیبیان، سید حمید، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۸.
۳. بلاغت تصویر، فتوحی، محمود، تهران: سخن، چ ۲، ۱۳۸۹.
۴. تحلیل انتقادی گفتمان، فرکلاف، نورمن، ترجمه فاطمه شایسته‌پیران و دیگران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، چ ۳، ۱۳۸۹.
۵. چشم‌انداز شعر معاصر ایران، زرقانی، سیدمهدی، تهران: نشر ثالث و شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، چ ۱، ۱۳۸۳.
۶. دانشنامه زبان و ادب فارسی (ج ۱)، به سرپرستی اسماعیل سعادت، مقاله کامیار عابدی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴.
۷. درجه صفرنوشتار، بارت، رولان، ترجمه شیرین دخت دقیقیان. تهران: هرمس، چ ۳، ۱۳۸۷.
۸. سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)، فتوحی، محمود، تهران، سخن، ۱۳۹۰.
۹. سیمرغ در جستجوی قاف (درآمدی بر سیر تحول عقلانیت در ادب فارسی)، محبتی، مهدی. سخن، چ ۱، ۱۳۸۹.

۱۰. صورخیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا، تهران: آگاه، ۱۳۶۶.
۱۱. گزیده اشعار مهدی اخوان ثالث، به کوشش محمد حقوقی، تهران: نگاه، چ ۱۳، ۱۳۸۷.
۱۲. فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد، سیما، تهران: مروارید، چ ۳، ۱۳۸۵.
۱۳. فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین، تهران: اهورا، ۱۳۸۹.
۱۴. مفلس کیمیافروش (نقد و تحلیل شعر انوری)، شفیعی کدکنی، محمدرضا، تهران: سخن، ۱۳۷۲.
۱۵. بررسی تأثیر شاهنامه فردوسی بر آثار مهدی اخوان ثالث در حوزه سبک‌شناسی، روایت اساطیری و داستانپردازی، حمیرا زمردی، هانیه مرشدی، بهار ادب شماره